

## انواع دین‌داری و روحانیت؛

### بررسی تأثیر نوع دین‌داری بر تبعیت از روحانیان

کاظم سام دلیری / استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی / kazemsd\_49@yahoo.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۶/۱۳ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴

#### چکیده

به‌رغم نفوذ تاریخی روحانیان در ایران و تبعیت جامعه از آنان، در دهه‌های اخیر، شدت و گستره تبعیت جامعه از این قشر کاهش داشته است؛ اما علل این کاهش چیست؟ به لحاظ نظری، به سه دسته علت کلان در این زمینه می‌توان اشاره کرد: عللی که به تحولات ساختاری اشاره دارند؛ عللی که تأکیدشان بر تحولات در روحانیان است و عللی که بر مخاطبان آنان (مردم) متمرکزند. در این مقاله، تأکید بر علل مربوط به مخاطبان روحانیان است و به نوع دین‌داری آنان به عنوان علت مؤثر بر کاهش تبعیت از روحانیت اشاره می‌شود. لذا سه نوع دین‌داری مشخص شد که منطقی‌تر تبعیت از روحانیت تأثیر دارند. این سه نوع دین‌داری عبارتند از: دین‌داری بی‌واسطه، دین‌داری بی‌نیاز از روحانیت و دین‌داری ناپای‌بند. پس از توضیح و بسط نظری مکانیزم اثرگذاری این دین‌داری‌ها بر روابط دینداران با روحانیان، سه فرضیه منتج از بحث، به محک تجربه گذارده شد. نتایج تحقیق که به شیوه پیمایش انجام گرفت، مؤید فرضیه‌هاست؛ یعنی مشخص شد: هرچه اعتقاد دینداران به نقش‌ها و وظایف روحانیت (ضرورت کارکردی و وجودی آنان) و برخی احکام و عبادات دینی کاهش یابد و هرچه نیاز آنان توسط بدیل‌های روحانیت مرتفع شود و نیز هرچه ناپای‌بندی به ابعاد دین بیشتر باشد، تبعیت دینداران از روحانیان رو به تنزل خواهد گذارد. کلیدواژه‌ها: نوع دین‌داری، دین‌داری بی‌واسطه، دین‌داری بی‌نیاز، دین‌داری ناپای‌بند، روحانی.

## بیان مسأله

پس از پیدایش دین، گروهی به شکل اجتناب‌ناپذیر شکل می‌گیرند که وظیفه شناخت و تفسیر عقاید و احکام دینی و انتقال آن‌ها به مؤمنان، دفاع از آموزه‌های دین مورد نظر در برابر مخالفان و اجرای مناسک و عبادات را بر عهده دارند. این گروه که به روحانیان معروفند، بسته به سادگی یا پیچیدگی ادیان، وظایفی ساده و محدود یا پیچیده و گسترده را ایفا می‌کنند. انجام‌دادن همین وظایف، موجب برقراری ارتباط میان روحانیان و مؤمنان است. از سوی دیگر، بدون وجود ارتباط، انجام‌دادن وظایف دینی توسط روحانیان شدنی نیست. بنابه تصور، با افزایش میزان دین‌داری افراد و جامعه، میزان ارتباط و تبعیت از روحانیان فزون‌تر خواهد شد؛ زیرا با افزایش دین‌داری، نیاز به روحانیان بیش‌تر می‌شود و این مسأله، ارتباط و تبعیت فزون‌تر از آنان را نتیجه خواهد داد؛ یعنی دینداران برای شناخت عقاید، احکام، شرایع، اخلاقیات و غیره، به روحانیان وابسته‌اند و اینان به دلیل تخصص در امور دینی، توان برآورده کردن نیازهای مؤمنان را دارند. لذا، انتظار این است که تخصص روحانیان و وظایف و نقش‌های دینی آنان، ایجاد ارتباط با دینداران و مآلاً تبعیت از آنان را نتیجه دهد.

روحانیت در ایران پس از شکل و سازمان‌یابی، همواره از جایگاه و منزلت اجتماعی بالا در نزد ایرانیان برخوردار بوده است. این جایگاه بالا، هم به نقش و تخصص آنان در نهاد دین ربط داشته و هم به نوع زیست و سلوک فردی و اجتماعی آنان مربوط می‌شده است. روحانیان به واسطه جایگاه بالا در ذهنیت جامعه، توان اثرگذاری بالایی بر مؤمنان داشتند و مؤمنان نیز در حوزه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی از این گروه فرمان می‌بردند. به همین علت، روحانیت در تاریخ اجتماعی-سیاسی ایران پس از اسلام، به نیرویی اثرگذار تبدیل شد. به‌جمله هیچ‌وقتهای مهم در تاریخ پس از شکل‌گیری و سازمان‌یابی روحانیت را نمی‌توان یافت که اثر حضور این گروه اجتماعی در آن نباشد. اساساً بسیاری از وقایع چندصد ساله اخیر ایران، تحت تأثیر حضور و رهبری روحانیان اتفاق افتاده است؛ مانند

نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، نهضت ملی کردن صنعت نفت و انقلاب اسلامی. گذشته از حضور و تأثیرگذاری روحانیان در وقایع کلان اجتماعی-سیاسی، آنان به شکل تاریخی، در محیط زیست خود از جایگاه رهبری برخوردار بودند و محل رجوع توده‌ها در امور گوناگون به حساب می‌آمدند. آنان نقش معتمدان و ریش‌سفیدان محله‌ها و شهرها را داشتند و مردم در امور خرد و کلان خود به آنان مراجعه می‌کردند. این ارتباط روحانیان و مردم دوسویه بود؛ یعنی روحانیان نیازهای دینی و اجتماعی مردم را برطرف می‌کردند و مردم به واسطه ویژگی‌های بی‌بدیل روحانیان، در امور گوناگون از آنان تبعیت داشتند. نمونه‌های اشاره شده، نشانه‌های تبعیت جامعه از این گروه است که آنان را در نقش رهبری وقایع بزرگ تاریخ چندصد ساله ایران نشاندهند. اوج این ارتباط و تبعیت از روحانیان، در انقلاب اسلامی و وقایع دهه اول آن نمود دارد. مردم ایران به تبعیت از روحانیت، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند؛ در جنگ‌های داخلی و نزاع میان گروه‌های سیاسی، به نفع این گروه شرکت کردند و به پیروی از روحانیت، جنگ فرسایشی هشت‌ساله را تحمل نمودند و به پیروزی رساندند. امروزه نیز روحانیان از گروه‌های بانفوذ اجتماعی به حساب می‌آیند و هم‌چنان بخش بزرگی از جامعه از آنان تبعیت دارد؛ اما شواهد و مدارک و آمار مختلف، نشان می‌دهد که تبعیت از آنان، به شدت و گستره سه دهه پیش نیست.<sup>۱</sup>

۱. بررسی‌های تجربی، نشانه‌هایی از کاهش اعتماد به روحانیان و تبعیت از آنان را نشان می‌دهند؛ برای نمونه، در سال ۱۳۷۹ از میان شانزده گروه مورد بررسی، روحانیت توانست رتبه دهم اعتماد را به دست آورد (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۰، ص ۸۰). البته در میان همین تعداد گروه، روحانیت رتبه ششم بی‌اعتمادی را کسب کرده. هم‌چنین در تحقیقی که در سال ۱۳۸۱ انجام گرفت، از بین هجده گروه، روحانیان رتبه هفتم بی‌اعتمادی و رتبه یازده اعتماد را به دست آوردند (یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور؛ ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم، ۱۳۸۲، ص ۲۶۷). در تحقیقی که نمونه آن دانشجویان هستند (میرسندهی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۸-۲۱۹) نشان داده شده که میزان پیروی از روحانیت -حتی در امور دینی- در این قشر پایین است. میزان مراجعه به روحانیت در امور دینی، برابر با ۳۵، ۳۰ درصد زیاد - در

این کاهش شدت و گستره تبعیت از روحانیت نسبت به دهه‌های قبل، این سؤال را طرح می‌کند که علت (علل) کاهش تبعیت جامعه از روحانیت چیست؟ در پاسخ نظری به این سؤال، سه دسته علل کلان را می‌توان برشمرد:

۱. عللی که به تحولات ساختاری جامعه اشاره دارند؛
  ۲. عللی که مربوط به خود روحانیت به عنوان یک گروه اثرگذار اجتماعی‌اند؛
  ۳. عللی که در طرف مخاطبان روحانیت یعنی مردم اتفاق افتاده است.
- در این نوشتار اندک، تنها به عللی که به مخاطبان روحانیان مربوطند (که خود تحت تأثیر تحولات ساختاری‌اند)، یعنی نوع دین‌داری، تأکید می‌شود.

### مبانی نظری تحقیق

دین‌داری (Religiosity) به معنای «درگیری‌های دینی» (Religious involvements) افراد تعریف شده است (هیمل‌فارب (Himmel farb)، ۱۹۷۵)؛ به نحوی که نگرش، گرایش و

---

برابر ۵۱،۴ درصد کم - است؛ در حالی که مراجعه زیاد به افراد غیرروحانی در این امور ۳۹،۵ درصد - در برابر ۱۲،۰ درصد کم - قرار دارد. بر اساس نتایج همین تحقیق، میزان مراجعه به روحانیان در امور سیاسی - اجتماعی، برابر ۱۰،۱ درصد زیاد، ۱۷،۳ درصد متوسط و ۷۵،۶ درصد کم است. نتایج همین تحقیق، از کاهش میزان پیروی جوانان از روحانیان، نسبت به والدین‌شان حکایت می‌کند. در حالی که میانگین پیروی جوانان از روحانیت در امور دینی ۲،۵ (از ۵) و در امور سیاسی ۱،۷۷ است، این میزان برای والدین آنان به ترتیب ۳،۱۸ و ۲،۲۹ است. هم‌چنین از یافته‌های تحقیقی دیگر (رجب‌زاده، ۱۳۷۹)، چنین بر می‌آید که با افزایش گرایش دانشجویان به علم، گرایش آنان به دین سنتی و باور آنان به مرجعیت روحانیت و مناسک دینی کاهش می‌یابد. کاهش تبعیت از روحانیت، با عناوین مختلف و به صورت آشکار یا ضمنی، توجه بسیاری را جلب کرده است؛ از آن جمله می‌توان به نوشته‌های زیر اشاره کرد: ذوعلم (۱۳۸۴، ص ۹۰)؛ میناگر (۱۳۸۴، ص ۱۲۳)؛ محقق داماد (روزنامه/یران، ۱۳۸۱)؛ آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات، ۱۳۷۹)؛ فصلنامه حکومت/اسلامی، سخن سردبیر؛ زهیری، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵؛ عباسی (پیشین)؛ استادی (متن سخنرانی)، نشریه مبلغان، شماره ۲۰.

کنش فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا درگیری‌های افراد با دین، می‌تواند ابعاد مختلفی را در بر گرفته، به جنبه‌های گوناگون وجودی وی مربوط شود. هم‌چنان‌که می‌توان سه بعد وجودی عاطفی، عقیدتی و رفتاری برای انسان قائل شد، درگیری‌های دینی افراد را به این سه بعد وجودی آنان می‌توان نسبت داد. بر این اساس که کدام یک از ابعاد وجودی افراد و به چه نحو، با دین درگیر است، انواع درگیری‌های دینی (انواع دین‌داری) وجود خواهد داشت. دین نیز خود بر این اساس که به کدام یک از این ابعاد وجودی بشر مربوط است، به ابعاد گوناگونی تقسیم می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۴). لذا برای دین مورد نظر تحقیق (اسلام)، می‌توان ابعاد عبادی و شریعتی (مربوط به بعد رفتاری)، عقیدتی و اخلاقی (مربوط به بعد عقیدتی) و ایمانی (مربوط به بعد عاطفی) را تعیین کرد. حال، هریک از ابعاد وجودی دین‌دار با یکی از این ابعاد دین درگیر می‌شود (نوع فهم وی از عقاید و احکام، پای‌بندی او به عبادات، اخلاقیات و مناسک و عواطف او نسبت به خالق، ارزش‌ها، اخلاقیات و اولیای دین) و دین جلوه‌های متفاوتی در فرد می‌یابد.

نوع فهم فرد از عقاید و احکام، پای‌بندی او به عبادات، اخلاقیات و مناسک، و عواطف او نسبت به دین، می‌تواند از دیگری متمایز و در میان افراد مختلف اشکال متفاوت و جلوه‌های گوناگون یابد. همین فهم‌ها، عواطف و پای‌بندی‌های متفاوت دین‌دار به ابعاد گوناگون دین و ظهور متفاوتی دین در افراد، بخشی از نوع دین‌داری وی را تعیین می‌کند. اما نوع دین‌داری، حوزه‌ای گسترده‌تر از نوع فهم‌ها، عواطف و پای‌بندی‌ها را دربرمی‌گیرد و هر نوع درگیری دینی فرد را شامل می‌شود. این‌چنین، تعریف نوع دین‌داری، تفاوت انواع درگیری‌های دینی افراد است. لذا در حوزه دین، انواع دین‌داری‌ها را می‌توان انتظار داشت. اما این‌که این انواع چیستند، وابسته به ملاک‌هایی برای تمیز آن‌هاست.

نویسندگان مختلف برای ارائه انواع دین‌داری، از ملاک‌هایی متفاوت استفاده کرده‌اند؛ لذا بسته به ملاک مورد استفاده، انواع دین‌داری‌های آنان از هم متفاوت است. برای مثال، ملکیان (۱۳۷۸) انواع دین‌داری اسلامی را به «بنیادگرا»، «تجددگرا» و «سنت‌گرا» تقسیم

می‌کند؛ کدیور (۱۳۸۵) معتقد است که انواع دین‌داری به «سنتی»، «سنت‌گرایانه»، «بنیادگرایانه» و «نواندیشانه» قابل تقسیم است؛ شپرد (Shepard) (۱۹۸۷ و ۲۰۰۴) پنج نوع دین‌داری «سکولار»، «تجددگرای اسلامی»، «اسلام‌گرای رادیکال»، «سنت‌گرا» و «سنت‌گرای جدید» را از انواع دین‌داری اسلامی می‌داند؛ نیک‌پی (۱۳۸۴) بر اساس تحقیقی تجربی، به هفت نوع دین‌داری: «عوامانه»، «ابزاری»، «ترکیبی نوین»، «الهیاتی»، «فقهی و شریعت‌مدارانه»، «سکولار» و «لایک» دست یافته است؛ سروش (۱۳۷۸) به سه نوع دین‌داری در اسلام معتقد است: «دین‌داری مصلحت‌اندیش»، «معرفت‌اندیش» و «تجربت‌اندیش». دامنه این انواع مطول است و ارائه آن از حوصله این تحقیق خارج؛ ضمن آن‌که این انواع به دلیل بی‌توجهی به ملاک‌های مد نظر تحقیق، به کار این پژوهش نخواهد آمد. توجه به آن نوع از دین‌داری‌ها اهمیت دارد که بر رابطه دین‌دار و روحانی تأثیرگذار است.

در میان انواع دین‌داری‌های شمرده شده، برخی مانند انواع دین‌داری مورد نظر سروش، نیک‌پی و میرسندسی (۱۳۸۳)، جنبه‌هایی از روابط میان دینداران و روحانیان را انعکاس می‌دهند؛ اما از آنجایی که این انواع، با ملاکی واحد طبقه‌بندی نشده‌اند و طبقات گوناگون آن‌ها هم‌پوشانی‌هایی دارند و از سوی دیگر، دربرگیرنده تمام دین‌داری‌های مورد نظر تحقیق نیستند، در این بخش، با تأکید بر تأثیر دین‌داری بر ارتباط دین‌دار با روحانیت، انواعی از دین‌داری‌ها مشخص می‌شود. اما پیش از ورود به بحث انواع دین‌داری‌ها، لازم است تعریفی از روحانی ارائه گردد و به وظایف و نقش‌های آنان در دین مورد نظر (اسلام شیعی) اشاره شود.

## روحانی

«روحانی» اصطلاحی است برای نام‌گذاری گروهی از افراد که در نظام نهادی دین، به خدمت اشتغال دارند. این افراد در جهت انجام‌دادن وظایف مربوط به نیازهای معنوی جامعه در تلاشند. واژه روحانی، با اصطلاح‌هایی همچون: اهل علم، آخوند، عالم و ملا، هم‌معنا و مترادف است (قنبری، ۱۳۸۱)؛ لذا برای خطاب افراد منتسب به این گروه، از این

اسامی نیز استفاده می‌شود. این مفهوم، به‌طور کلی در دو معنا و دو تعریف غیرهمسان به‌کار برده شده که ما این تعاریف را به آرمانی و واقعی تقسیم می‌کنیم.

روحانی در تعاریف آرمانی، فردی است که علوم دینی آموخته و انتقال دانسته‌ها را به جامعه بر خود فرض می‌داند. او از یک سو، در تلاش برای کسب معارف و علوم دینی است و از دیگر سو، می‌کوشد دانسته‌های خود را برای پاسداری از دینی که خود را وقف آن کرده است (گلزاده غفوری، ۱۳۶۰، ص ۲-۳)، به دیگران انتقال دهد. معارف و علومی که روحانی با آموختن آن‌ها به این اسم خوانده می‌شود، شامل عقاید و احکام دین است. این معارف از طریق فهم متون مقدس - که در دین اسلام و مذهب شیعه شامل قرآن و روایات پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام است - به دست می‌آید (بهشتی، ۱۳۴۱، ص ۱۴۶). فرد پس از آموختن این معارف، از یک طرف وظیفه انتقال آن‌ها را به مردم دارد و از طرف دیگر، موظف به دفاع از دین در برابر انحرافات و تهاجم عقاید مخالف است (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۷۸). اما فرد روحانی، در کنار آموختن عقاید و احکام دین و تعلیم آن به دیگران، می‌آموزد که به مواهب دنیا و دارایی‌های مادی و دنیایی، بی‌اعتنا و در صدد پالایش روح و روان و تهذیب اخلاق باشد. روحانی پس از «تزکیه» خود، موظف به «تزکیه مردم و دادن آموزش به مردم و نشان دادن راه زندگی سالم و سعادت‌آفرین به مردم» است (بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۹۰). او باید با زهد و پرهیزکاری، خود را به معنای زندگی و حقیقت مطلق (که خدا باشد) نزدیک کند تا به سعادت جاوید نایل آید. به همین علت است که به افرادی با این ویژگی‌ها، «روحانی» - در برابر «مادی» و «دنیایی» - می‌گویند. در نتیجه، فرد روحانی باید دارای دو ویژگی «علم» و «تقوا» باشد (بهشتی، ۱۳۴۱، ص ۱۵۲): علم به عقاید و احکام، و تقوا و پرهیز از دل بستن به دنیا و هر آنچه به آن منضم است.

با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، برخی به تعریف واژه «روحانی» همت گماشته‌اند؛ برای مثال، آیت‌الله بهشتی اعتقاد دارد: «روحانی یک عالم دینی است که در راه تزکیه و تعلیم و تلاوت و خواندن آیات خدا بر مردم می‌کوشد». (بهشتی، ۱۳۴۱، ص ۱۵۲) او با ابتنا بر این تعریف، دارا بودن صفاتی همچون: تلاش در راه تزکیه و تقوا و برخورداری از عدالت و مکارم اخلاق را جزو ویژگی‌های ماهوی روحانیان می‌داند.

اما تعریف این چینی از روحانی، تعریفی آرمانی و سخت‌گیرانه است و با اتکای به آن، تنها عده معدودی از افراد را می‌توان جزو این گروه به حساب آورد. از طرف دیگر، این‌گونه تعاریف با ملاک تشخیص روحانی از سوی مردم - به عنوان بازی‌گران اجتماعی، مخاطبان روحانیان و این تحقیق - فاصله دارد.

این قبیل تعاریف، آرمانی هستند؛ زیرا به آنچه یک روحانی باید باشد نظر دارند، نه آنچه او در واقع هست. بایدها، دارای وجه الزامی و هنجاری‌اند؛ یعنی انتظاراتی از فرد وجود دارد و فرد باید به آن‌ها عمل کند. پس ویژگی‌های فوق را نه جزو تعریف روحانی، بلکه به عنوان الگوهای رفتاری آنان در نظر می‌گیریم. با ملاک قرار دادن تعریف آرمان‌گرایانه، تنها عده معدودی در سلک روحانیان قرار می‌گیرند. به همین علت، باید به تعریف حداقلی و واقعی اکتفا کرد. در تعریف واقعی، ویژگی‌هایی به عنوان ماهیت روحانی در نظر گرفته می‌شود که عناصر مشترک و حداقلی جمعی از افراد باشد و در میان تمام افراد، از این گروه دیده شود.

روحانیان در مدارس که علوم دینی در آن‌ها تدریس می‌شود - که امروزه به آن‌ها حوزه علمیه می‌گویند - علم آموخته یا می‌آموزند. این افراد، وظیفه دارند آموخته‌ها را به مردم انتقال دهند. از سوی دیگر، آنان غالباً به لباس خاصی ملبس هستند که نماد روحانیت است (از غندی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱). این افراد، لباس مخصوص را از آن رو به تن می‌کنند تا به مردم معرفی شوند و مردم نیز معمولاً نه تنها روحانیان را از طریق لباس آنان می‌شناسند، بلکه هر کسی را که دارای این پوشش است روحانی می‌دانند. تأکید بر پوشش، تا آن جاست که در تعریف جامعه از روحانی، لباس عنصر اصلی و وجه تمایز و عامل شناخت این افراد است.<sup>۱</sup>

---

۱. آیت‌الله بهشتی معتقد است که در جامعه لباس شخص، اساس روحانیت شناخته می‌شود. او به این امر معترض است و خواستار توجه به جای لباس، به علم و تقوا به عنوان «دو رکن اصلی روحانیت» است. (بهشتی، ۱۳۴۱، ص ۱۵۲)



با توجه به این مقدمه، «روحانی» از نظر این پژوهش، کسی است که در مدارس علوم دینی به تحصیل پرداخته و غالباً به لباس مخصوص ملبس باشد. روحانیان به واسطه نوع آموزش و تعلیم، وظایف و نقش‌هایی بر عهده دارند که با انجام‌دادن آن‌ها، با دینداران ارتباط برقرار می‌سازند. البته پیش‌تر، برخی وظایف اجتماعی نیز بر عهده روحانیان قرار داشت که ایجاد ارتباط با دینداران را نتیجه می‌داد. امروزه با تغییرات گسترده اجتماعی و افزایش تقسیم کار، این وظایف از انحصار روحانیان خارج و به افراد و نهادهای دیگر واگذار شده است. به همین علت، کانال ارتباطی روحانیان با دینداران، به انجام دادن وظایف دینی محدود است. اما این وظایف دینی چیستند؟

با تعیین ابعاد دین مورد نظر تحقیق، وظایف روحانیان را نیز می‌توان مشخص کرد. تعیین ابعاد دین بدین سبب است که وظایف و نقش‌های روحانیان به همین ابعاد بازمی‌گردد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، برای دین مورد نظر تحقیق (اسلام)، می‌توان سه وجه معرفتی، عاطفی و عملی بازشناخت و بر اساس این سه وجه، پنج بعد عقیده، ایمان، عبادات، اخلاق و شرعیات را تعیین نمود (شجاعی زند، ۱۳۸۴). با ابتنای بر این پنج بعد، سه وظیفه کلی برای روحانیت در عرصه نظر (معرفتی) و عمل (شرعی و مناسکی) می‌توان تشخیص داد.<sup>۱</sup> روحانی از یک سو وظیفه شناخت اصول عقاید دین و استنتاج احکام مربوط به اخلاقیات، عبادات و شرعیات را از متون مقدس دارد و از سوی دیگر، باید یافته‌های خود را در حوزه‌های یادشده به دینداران انتقال دهد. در کنار این دو وظیفه، انجام‌دادن عبادات و مناسک جمعی نیز بر عهده‌ی روحانیان می‌باشد.

---

۱. توجه به این وظایف را می‌توان با تأکیدات متفاوت در آثار نویسندگانی دیگر نیز مشاهده کرد. برای نمونه، نک: گلزاده غفوری، ۱۳۶۰، ص ۱۹-۲۱؛ بهشتی ۱۳۴۲؛ مطهری، ۱۳۸۴؛ ذوعلم، ۱۳۸۴؛ خاکبان، ۱۳۸۴.

بر اساس این وظایف، دو رابطه‌ی کلی میان روحانیان و دینداران می‌توان تشخیص داد: اول، آموزش اصول عقاید و احکام اخلاقی، عبادی و شرعی به دینداران؛ دوم، اقتدا به روحانیان در عبادات و مناسک جمعی و پیروی از آنان در احکام شرعی.

با توسل به تعاریف مختلف، می‌توان گروهی به نام روحانیان را در جامعه تشخیص داد، اما این گروه خود به زیرگروه‌هایی تقسیم می‌شود. با ملاک نوع اشتغالات و وظایف روحانیان، دست‌کم پنج دسته روحانی وجود دارد که در این تحقیق مجموع آنان روحانیت را تشکیل می‌دهند. این دسته‌ها عبارتند از:

۱. مراجع تقلید: روحانیان شاخصی که صاحب رساله و مراجعات از سوی مقلدان هستند.
۲. روحانیان مسجدی: روحانیانی که صرفاً به انجام‌دادن وظایف دینی مثل وعظ، آموزش احکام و اقامه جماعت اشتغال دارند.
۳. روحانیان حوزوی: روحانیانی که به کار درس و تحقیق در حوزه‌های علمیه مشغولند.
۴. روحانیان دانشگاهی: روحانیانی که در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزشی و پژوهشی جدید تدریس و تحقیق می‌کنند.
۵. روحانیان شاغل در مشاغل غیردولتی: روحانیانی که به مشاغل عمومی غیردولتی نظیر سردفتری و کسب و کشاورزی اشتغال دارند.

### انواع دین‌داری

با تعیین ملاک ارتباط دینداران با روحانیان، در یک تقسیم‌بندی کلی، سه دسته دین‌داری می‌توان تشخیص داد که ارتباط دینداران با روحانیان را کاهش داده، از این طریق موجب کاهش تبعیت از آنان می‌شوند. این دین‌داری‌ها عبارتند از:

#### ۱. دین‌داری بی‌واسطه

در این نوع دین‌داری، دینداران یا ضرورت کارکردی روحانیت را - به عنوان متولیان شناخت و تفسیر دین و انجام‌دادن مناسک و اداره اجتماع - نفی می‌کنند و یا به برخی جنبه‌های عبادی، اخلاقی و شریعتی دین باور ندارند. البته نداشتن اعتقاد به برخی از جنبه‌های یادشده، بی‌اعتقادی به وظایف و نقش‌های روحانیت را در پی خواهد داشت.

گفته شد که چند وظیفه کلان دینی برای روحانیان متصور است: تفسیر متون دینی برای استخراج و استنتاج اصول عقاید و احکام عبادی، اخلاقی و شرعی؛ انتقال این معارف به مؤمنان و برگزاری برخی مناسک جمعی عبادی و اجرای احکام دینی. در دینداری بی‌واسطه (دینداری بی‌اعتقاد به روحانیت)، دینداران از اساس، مخالف ایفای این نقش‌ها توسط روحانیان هستند و بر این باورند که برای تفسیر متون دینی و شناخت احکام دین، به مراجعه به گروهی خاص نیاز نیست. این شکل دینداری، خود به انواعی قابل تقسیم است و از عوامل گوناگونی ناشی می‌شود، اما دینداری بی‌واسطه در دوره اخیر، بیش از هر چیز تحت تأثیر گسترش فرهنگ و دانش مدرن (مدرنیته) و عقل‌گرایی نهفته در آن قرار داشته است.

در برخی انواع دینداری‌ها که در آن‌ها روحانیان، مراجع فکری و عملی دینداران هستند، دینداری افراد حجیت خود را از سنت و پیروی از دیگران، حتی بدون اتکا به استدلال‌های عقلی می‌گیرد. در این اشکال دینداری، دین از طریق افراد مقدس و پس از آن از طریق علما و روحانیان، به عنوان جانشینان افراد مقدس، تداوم می‌یابد و آنان هستند که دین را می‌فهمند و تفسیر می‌کنند (رجب‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۶۳)؛ لذا در این دینداری‌ها، برای پذیرش یا نفی نظام باور دینی، نیاز به کاربرد عقل بشری و مباحث عقلانی (برون‌دینی) کم‌تر احساس می‌گردد. به همین علت، رابطه دین‌دار با دین بدون توجه به استدلال‌های منطقی و تجربی، از طریق عاطفه و با ابتنا بر واسطه‌های دینی و سنتی برقرار است. (سروش، ۱۳۷۸)

در مقابل این اشکال دینداری، تفسیر و شناخت اصول عقاید و احکام دینی در دینداری بی‌واسطه، تنها از طریق روحانیان انجام نمی‌گیرد؛ از همین رو، برخلاف دینداری سابق، رابطه دینداران با متون مقدس مستقیم می‌گردد. در این شکل دینداری، اعتقاد بر این است که برای تفسیر متون دینی، دیگر به رجوع به واسطه‌ها نیاز نیست و مؤمن از این توانایی برخوردار است که خود راساً با متون دینی مرتبط شود.

گسترش تحصیلات مدرن، این پدیده را دامن زده است؛ زیرا اولاً افزایش سطح تحصیلات، لزوم مراجعه به گروهی را که به دلیل باسواد بودن، باید وظیفه تفسیر متون دینی را برعهده داشته باشند، مرتفع می‌کند و ثانیاً، دانش مدرن با عقل‌گرایی شناختی‌اش، بر پذیرش مستدل امور تأکید می‌ورزد.

اگر در جوامع و در ادوار شیوع کم‌سواد، نیاز به گروهی است که به دلیل باسواد بودن، وظیفه تفسیر متون و استخراج احکام را برعهده گیرند، با گسترش سطح تحصیلات، این نیاز کم‌تر احساس می‌شود. از آن سو، توسل به عقل خودبنیاد به عنوان محصول مدرنیته، این نتیجه را در پی خواهد داشت که پذیرش هرگونه معرفت بدون استدلال عقلی و بر اساس پیروی غیرمستدل و سنتی از مراجع دیگر، مردود شمرده شود.

در برخی اشکال دین‌داری برای شناخت، بیش و پیش از هر چیز، بر وحی و نصوص تکیه می‌شود. اگر مهم‌ترین منابع شناخت را وحی، عقل و تجربه حسی بدانیم، این اشکال دین‌داری، وحی را منبع معتبر شناخت می‌دانند. تکیه بر نصوص و سنت‌های پیامبر و معصومان علیهم‌السلام که به‌طور مستقیم یا با واسطه منطبق بر وحی است، مهم‌ترین ابزار شناخت در این اشکال دین‌داری است. آنچه بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده و آنچه از زبان ایشان و جانشینان معصومان جاری یا در اعمال ایشان ساری بوده، مهم‌ترین ابزار شناخت در این سنوخ دین‌داری است. اگر از ابزارهای دیگر همانند عقل نیز استفاده گردد، تنها حکم مدد رسان دارد و در طول وحی به‌کار می‌آید؛ نه به عنوان ابزاری هم‌تراز و هم‌عرض. در مقابل، عقل و علم، در شکل اخیر دین‌داری، ابزاری هم‌عرض و هم‌تراز با وحی قلمداد می‌گردد که توان کشف مجهولات و راهنمایی بشر به سوی خدا را دارد.

این دو شیوه شناخت، یک نتیجه منطقی در پی دارد: در دین‌داری نوع اول، این اعتقاد شکل می‌گیرد که برای شناخت دین، خدا و حتی حوزه‌های دیگر زندگی بشر، حضور و وجود گروهی خاص مورد نیاز است که به دلیل تعالیم خاص، در شناخت متون دین تبحر دارند. پس اعتقاد اول، به پیروی از یک گروه خاص منتهی می‌گردد که از تخصص شناخت متون دینی برخوردارند؛ در حالی که در شکل دوم دین‌داری، هرکس که به توانایی

به‌کارگیری عقل و استدلال‌های عقلانی و علوم روز برای شناخت مجهز باشد، از این توانایی برخوردار است تا رأساً به شناخت خدا، دین، طبیعت و انسان اقدام نماید. اصولاً در این شکل دین‌داری، تجهیز به عقل تجربی و فلسفی، از شرایط شناخت است.

در دین‌داری نوع اول، پیروی در امور دینی از متخصصان دین‌شناس، از اهم امور به حساب می‌آید؛ در حالی‌که در دین‌داری بی‌واسطه (بی‌اعتقاد به روحانیت)، کسانی که از میزانی از توانایی استدلال عقلانی یا علمی برخوردارند نیز صلاحیت تفحص و اظهار نظر در امور دینی را دارند.

دین‌داری بی‌واسطه، موجب شکل‌گیری یک نوع «فردگرایی» شناختی در دین خواهد شد. فردگرایی در این‌جا، انتخاب یک راه شخصی (متکی بر تفسیرهای فرد از متون) است که عدم تبعیت از مراجع دینی - که طبق سنت‌ها آخرین حرف را در مورد رفتارهای دینی تجویز می‌کنند - در پی خواهد داشت. لذا افراد در فهم و پذیرش عقاید، احکام و حتی عبادات، تفسیرهای خود را وارد خواهند کرد.<sup>۱</sup>

تأکید بیش از پیش دین‌داری بی‌واسطه بر پذیرش عقلانی امور، موجب می‌شود تا برخلاف دین‌داری نوع قبل، دین فردی و فردیت دینی ظهور کند (سروش، ۱۳۷۸). در این دین‌داری، هر دین‌دار با اتکا به استدلال و ادراک خود، عقاید و احکام را اختیار می‌کند؛ به‌همین علت، در آن، نیازی به روحانیت به عنوان واسطه دین با دین‌دار وجود ندارد. پس با گسترش دانش مدرن و افزایش توان فهم متون دینی، از یک سو احساس نیاز به مراجع دینی به عنوان واسطه‌های تفسیر و شناخت دین کم می‌شود و از سوی دیگر، این عقیده شکل می‌گیرد که مؤمن باید برای دین‌داری خود، به استدلال‌های عقلانی مجهز گردد. این دو مورد، گسترش عقیده حذف‌گروه واسطه شناخت دین (روحانیت) را نتیجه می‌دهد.

---

۱. در تحقیقی که خسروخاور انجام داده (خسروخاور، ۲۰۰۷) در برابر این سؤال که چرا علی‌رغم حرام بودن، به موسیقی گوش می‌دهید؟ پاسخ‌گو برداشت خود را از دین ملاک تشخیص صحت اعمال می‌داند. در این تحقیق مثال‌هایی آورده که دینداران عقل خود را ملاکی برای پذیرش عبادات و احکام دانسته‌اند.

از سوی دیگر، در این شکل دین‌داری، به جای تأکید بسیار بر صورت دین‌داری که در عبادات نمود دارد، تأکید فزون‌تر بر فهم معنای عبادات و ایمان قلبی است. عقل‌گرایی نهفته در این شکل دین‌داری، هم‌چنین در شکل و ماهیت برخی عبادات تردید روا می‌دارد که نتیجه آن نیز کم‌توجهی به بعضی از آنهاست. می‌دانیم که استدلال عقلی، در چرایی یا چگونگی انجام‌دادن بسیاری از عبادات جایی ندارد و انجام‌دادن آنها، به پذیرش بی‌چون و چرای دین‌دار وابسته است. قبل از این، گفته شد که عقل‌گرایی با این شیوه پذیرش امور در تضاد است؛ پس نتیجه عقل‌گرایی، می‌تواند سبب کاهش انجام‌دادن برخی مناسک و عبادات باشد.<sup>۱</sup> به‌همین دلیل، در دین‌داری بی‌واسطه، انجام‌دادن مناسک و عبادات، به‌خصوص از نوع جمعی آن که حوزه نفوذ روحانیان است، کاهش یافته؛<sup>۲</sup> بیش‌تر بر شناخت باطن و معنای دین تأکید می‌شود.

## ۲. دین‌داری بی‌نیاز به روحانی

در این شکل دین‌داری، دین‌دار لزوماً به وجود گروهی به عنوان مفسر و واسطه شناخت دین بی‌اعتقاد نیست؛ بلکه به دلیل برخی تحولات اجتماعی- تکنولوژیک و وجود بدیل‌هایی برای روحانیت، ارتباط وی با روحانیان قطع می‌گردد. برای مثال، گسترش وسایل ارتباطی

۱. تحقیق‌های تجربی، این مهم را نشان می‌دهد. برای مثال، نیک‌پی (۱۳۸۴) نشان داده است که در جامعه امروز، توجه دینداران به مناسک سنتی دینی کم‌تر شده و میزان آمدوشد به مکان‌های رسمی عبادت تقلیل یافته است. اسماعیلی (۱۳۷۹) در تحقیق خود با عنوان «آسیب‌شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران»، نشان می‌دهد که در میان دانشجویان، دین در حال تغییر از حوزه عمومی به حوزه خصوصی است و از یافته‌های رجب‌زاده (۱۳۷۹)، چنین بر می‌آید که با افزایش گرایش دانشجویان به علم، گرایش آنها به دین سنتی و باور آنها به مرجعیت روحانیت و مناسک دینی کاهش می‌یابد.

۲. بر اساس پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۰)، در حالی که ۸۸/۳ درصد افراد بی‌سواد، اکثر اوقات نماز می‌خوانند، این میزان برای افراد با تحصیلات عالی ۸۰/۲ درصد است (همان، ص ۲۰۴). هم‌چنین شرکت افراد بی‌سواد در نماز جماعت و نماز جمعه (در اکثر اوقات) به ترتیب ۲۷/۶ و ۱۵/۹ درصد است؛ در حالی که این میزان برای افراد با تحصیلات عالی برابر با ۱۸/۵ و ۹/۴ درصد است. (همان، ص ۲۰۴-۲۰۵)

مدرن مانند کتاب، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، اینترنت و مانند آن، نیاز به شناخت مستقیم عقاید دینی و احکام از یک گروه خاص را مرتفع می‌کند. به دلیل گسترش وسایل ارتباطی مدرن، دینداران برای شناخت عقاید و احکام دین، دیگر نیاز چندانی به مراجعه حضوری و چهره‌به‌چهره با روحانیان، به عنوان مبلغان و معلمان دین ندارند. آنان دیگر می‌توانند نیازهای خود را از طریق وسایل ارتباطی جدید رفع کنند. پس گسترش این اشکال وسایل ارتباطی، به کاهش نیاز به روحانیان به عنوان واسطه‌های مستقیم شناخت دین می‌انجامد. از طرف دیگر، گسترش وسایل ارتباطی مدرن مانند رادیو و تلویزیون، از شدت نیاز دینداران برای مراجعه به مراکز مذهبی مانند مسجد، حسینیه و ... می‌کاهد که مناسک دینی جمعی از قبیل خواندن مولودی یا تعزیه و دعاهایی مانند توسل، کمیل، زیارت عاشورا، و ... در آنها برگزار می‌گردد. با گسترش این قبیل وسایل، برخی دینداران برای انجام دادن مناسک دینی خود، دیگر در مراکز تجمع مؤمنان مانند مساجد و حسینیه‌ها، حاضر نمی‌شوند. پس گسترش وسایل ارتباطی مدرن، به قطع یا کاهش ارتباط مؤمنان با روحانیان و مآلاً تبعیت از آنان کمک می‌کند. البته وجود و گسترش برخی بدیل‌های دیگر برای روحانیان، برای اجرای مناسک دینی نیز با برطرف کردن برخی نیازهای دینی مؤمنان نتایج بالا را به همراه خواهند داشت؛ یعنی لزوم مراجعه به روحانیان و موعظه از سوی آنان را کاهش می‌دهند.

در تفاوت این شکل دین‌داری با شکل قبل باید گفت: دین‌دار در شکل سابق، اصل حضور روحانی، به عنوان واسطه دین‌دار با دین را انکار می‌کند و خواستار حذف وی از این میان است؛ اما در این شکل دین‌داری، اقتضائات زندگی مدرن یا گسترش سبک‌های متفاوت مناسک، موجب قطع این ارتباط و تبعیت از روحانی می‌شود. هر چند دین‌دار ضرورت وجود و حضور روحانی را منکر نمی‌گردد، عملاً به دلیل عدم احساس نیاز به آنان با روحانیان بی‌ارتباط است.

### ۳. دین‌داری ناپای‌بند

در این شکل دین‌داری، دین‌دار برخلاف دین‌داری بی‌واسطه، به نقش‌ها، وظایف و کارکردهای روحانیت بی‌اعتقاد نیست؛ بلکه اصولاً وی نیازی به روحانیت احساس نمی‌کند. البته احساس عدم نیاز به روحانیت، از جنس عدم نیاز در دین‌داری بی‌نیاز نیست. در دین‌داری بی‌نیاز، به دلیل دست‌رسی دین‌دار به بدیل‌های روحانیت و ابزارها و وسایل ارتباطی، وی از این توانایی برخوردار بود تا نیازهای دینی خود را بدون مراجعه به روحانیت برطرف نماید؛ اما در شکل اخیر (دین‌داری ناپای‌بند)، بی‌نیازی دین‌دار، به دلیل ناپای‌بندی به انجام‌دادن برخی اعمال در حوزه اخلاق، عبادات و شرایع - است. در این نوع دین‌داری، دین‌دار به انجام‌دادن برخی یا تمام اعمال مورد انتظار دین پای‌بند نیست، لذا به مراجعه به روحانی برای شناخت عقاید و احکام مربوط به اخلاقیات، عبادات و شرایع یا انجام‌دادن عبادات و مناسک جمعی دینی به همراه روحانیت نیاز ندارد. البته پای‌بند نبودن دین‌دار به اعمال دینی خود، همانند دین‌داری بی‌واسطه، ناشی از بی‌اعتقادی به این اعمال نیست؛ بلکه نتیجه کاهلی در انجام‌دادن آن‌هاست. گسترش فضای تساهل عقیدتی در نتیجه جهانی شدن و گسترش مدرنیته غربی، موجب کاهش فشار اجتماعی (از سوی گروه‌های اولیه و ثانویه و جامعه) بر این دسته افراد می‌شود؛ لذا گسترش این شکل دین‌داری را موجب خواهد شد.

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱-۱. میان پای‌بندی افراد به دین و تبعیت دینداران از روحانیت رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری ناپای‌بند، موجب کاهش تبعیت از روحانیت می‌گردد.
- ۱-۲. میان نیاز به روحانیان و تبعیت دینداران از روحانیت رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری بی‌نیاز به روحانی، موجب کاهش تبعیت از روحانیت می‌گردد.
- ۱-۳. میان اعتقاد به نقش‌ها و وظایف روحانیان و تبعیت دینداران از آنان رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری بی‌واسطه (بی‌اعتقاد به روحانیت) موجب کاهش تبعیت از روحانیان می‌گردد.



### روش‌شناسی تحقیق

روش به‌کار گرفته شده برای پاسخ به سؤال تحقیق، پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده، پرسش‌نامه است. برای توزیع پرسش‌نامه، شهرها و روستاهای مراکز ده استان کشور در نظر گرفته شده و تعداد شش هزار نمونه از جمعیت شیعه بالای پانزده سال این مناطق به شکل تصادفی انتخاب شدند. این استان‌ها، بر اساس توزیع جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز کشور) و اهمیت منطقه‌ای مراکز آن‌ها (غالب آن‌ها از کلان‌شهرهای کشور هستند) گزینش شدند<sup>۱</sup>. نام استان‌ها و حجم نمونه در هر یک از آن‌ها به قرار ذیل است:

جدول ۱. حجم نمونه در هر استان

| استان‌ها          | فراوانی |
|-------------------|---------|
| تهران             | ۱۰۰۰    |
| آذربایجان شرقی    | ۶۰۰     |
| خوزستان           | ۶۰۰     |
| کرمانشاه          | ۵۰۰     |
| فارس              | ۶۰۰     |
| سیستان و بلوچستان | ۵۰۰     |
| خراسان رضوی       | ۶۰۰     |
| مازندران          | ۵۰۰     |
| اصفهان            | ۶۰۰     |
| قم                | ۵۰۰     |
| جمع               | ۶۰۰۰    |

۱. به جز دو شهر تهران و قم، برای سایر استان‌ها ۳۰ درصد پرسش‌نامه‌ها به جمعیت روستایی اطراف مرکز استان تعلق گرفت و توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها در اسفند ماه سال ۱۳۹۲ انجام شد.

### تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق و چگونگی سنجش آن‌ها

«تبعیت از روحانیت»: به معنای پیروی از روحانیان و عمل به خواسته‌های آنان است. این معرف، از ترکیب چهار گویه: «تبعیت اجتماعی»، «تبعیت سیاسی»، «تبعیت فرهنگی» و «تبعیت دینی» تشکیل می‌شود.

جدول ۲، ابعاد و گویه‌های تبعیت

| مفهوم | ابعاد         | گویه‌ها                                       | سؤالات   |
|-------|---------------|---|--|
| تبعیت | تبعیت سیاسی   | پیروی از توصیه‌های روحانیان در مسائل سیاسی    | در زمینه‌های سیاسی مانند انتخابات، چه میزان به توصیه و رهنمودهای هر کدام از روحانیان عمل می‌کنید؟  |
|       | تبعیت اجتماعی | پیروی از توصیه‌های روحانیان در مسائل اجتماعی  | در زمینه‌های اجتماعی مانند کمک به نیازمندان، چه میزان به توصیه و رهنمودهای هر کدام از روحانیان عمل می‌کنید؟  |
|       | تبعیت فرهنگی  | پیروی از توصیه‌های روحانیان در مسائل فرهنگی   | در زمینه‌های فرهنگی مانند تماشا نکردن یک فیلم یا خواندن یک کتاب، چه میزان به توصیه و رهنمودهای هر کدام از روحانیان عمل می‌کنید؟                        |
|       | تبعیت دینی    | پیروی از آراء و نظریات روحانیان در مسائل دینی | در زمینه‌های دینی، مثل گوش ندادن به یک موسیقی یا سفر نکردن به حج، در اعتراض به وهابيون، چه میزان به توصیه و رهنمودهای هر کدام از روحانیان عمل می‌کنید؟ |

نوع دین‌داری: تفاوت در درگیری‌های دینی افراد تعریف می‌گردد:

#### ۱. دین‌داری بی‌نیاز به روحانی

به آن شکل از دین‌داری اطلاق می‌گردد که در آن نیاز دین‌دار به روحانی به دلیل وجود بدیل‌هایی برای روحانیت به حداقل می‌رسد.

### ۲. دین‌داری بی‌واسطه

در این شکل دین‌داری، دین‌دار یا به انجام‌دادن بسیاری از نقش‌ها و وظایف دینی برای روحانیت بی‌اعتقاد است و یا به برخی جنبه‌های عبادی، اعتقادی و شریعتی دین که روحانیان در اجرا یا شناساندن آن‌ها نقش مؤثری دارند، بی‌اعتقاد است. البته اعتقاد نداشتن به برخی جنبه‌های یادشده دین، بی‌اعتقادی به وظایف و نقش‌های روحانیان را در پی خواهد داشت. در نتیجه در این شکل دین‌داری، دینداران به حضور و نقش واسطه برای شناخت دین اعتقادی ندارند.

### ۳. دین‌داری ناپای‌بند

به آن شکل از دین‌داری گفته می‌شود که دین‌دار به همه یا برخی وظایف دینی خود در حوزه‌های عبادی، اخلاقی و شریعتی اهتمام جدی ندارد. انجام ندادن وظایف در حوزه‌های یادشده، فرد را از مراجعه به روحانیان برای آموختن احکام، قواعد و آداب دینی و یا انجام‌دادن جمعی آن‌ها بی‌نیاز می‌کند.

جدول ۳. گویه‌های انواع دین‌داری

| مفهوم        | انواع    | گویه‌ها   |
|--------------|----------|---|
| نوع دین‌داری | بی‌واسطه | ۱. مراجعه به روحانی برای اطمینان از درستی اعمال و عبادات دینی.<br>۲. مراجعه مستقیم به قرآن و متون دینی برای شناخت دین و عدم نیاز به واسطه‌ای مثل روحانی.<br>۳. مراجعه به روحانیان در امور دینی علی‌رغم بالارفتن سطح سواد و آگاهی دینی مردم.                                     |
|              | بی‌نیاز  | ۱- خواندن نماز فرادا در منزل یا محل کار؛ ۲. شرکت در مجالس دینی برای استفاده از مداحی و عزاداری؛ به‌جای بهره‌گیری از سخنرانی روحانیان؛ ۳. استفاده از برنامه‌های دینی تلویزیون؛ به‌جای حضور در مجالس و مساجد؛ ۴. مراجعه به کتاب‌ها، نشریات یا رسانه‌ها، برای پاسخ به سؤالات دینی. |

|   |           |  |
|---|-----------|--|
| بعد عبادی: ۱. خواندن نمازهای واجب ۲. گرفتن روزه واجب؛ بعد اخلاقی: رعایت حقوق مردم؛ بعد شریعتی: ۱. پرهیز از دروغ ۲. پرهیز از غیبت ۳. جدیت در پرداخت خمس ۴. پرهیز از خوردن و آشامیدن حرام | ناپای بند |  |
|---|-----------|--|

### یافته‌های تحقیق

#### ۱. یافته‌های توصیفی

#### ۱-۱- متغیرهای زمینه‌ای

جدول ۴. توزیع پاسخ‌گویان بر اساس سن

| متغیر | طبقات   | فراوانی | درصد | درصد معتبر |
|-------|---------|---------|------|------------|
| سن    | ۲۰-۱۵   | ۴۶۷     | ۱۱.۳ | ۱۱.۳       |
|       | ۳۵-۲۱   | ۲۸۴۵    | ۴۷.۵ | ۴۷.۶       |
|       | ۵۰-۳۶   | ۱۴۲۴    | ۲۳.۸ | ۲۳.۸       |
|       | +۵۱     | ۱۰۳۹    | ۱۷.۴ | ۱۷.۴       |
|       | جمع     | ۵۹۸۲    | ۹۹.۹ | ۱۰۰.۰      |
|       | بی‌جواب | ۴       | .۱   |            |

جدول ۵. توزیع پاسخ‌گویان بر اساس جنس

| متغیر | طبقات | فراوانی | درصد  |
|-------|-------|---------|-------|
| جنس   | مرد   | ۳۰۸۱    | ۵۱.۵  |
|       | زن    | ۲۹۰۵    | ۴۸.۵  |
|       | جمع   | ۵۹۸۶    | ۱۰۰.۰ |

جدول ۶. توزیع پاسخ‌گویان بر اساس محل سکونت

| متغیر     | طبقات   | فراوانی | درصد  |
|-----------|---------|---------|-------|
| محل سکونت | شهر     | ۴۶۴۴    | ۷۷،۶  |
|           | روستا   | ۱۳۴۱    | ۲۲،۴  |
|           | جمع     | ۵۹۸۵    | ۱۰۰،۰ |
|           | بی‌جواب | ۱       | ،۰    |
|           | جمع     | ۵۹۸۶    | ۱۰۰،۰ |

جدول ۷. توزیع پاسخ‌گویان به تفکیک استان‌ها

| متغیر | طبقات             | فراوانی | درصد  |
|-------|-------------------|---------|-------|
| استان | تهران             | ۹۹۸     | ۱۶،۷  |
|       | آذربایجان شرقی    | ۶۰۰     | ۱۰،۰  |
|       | خوزستان           | ۶۰۰     | ۱۰،۰  |
|       | کرمانشاه          | ۵۰۰     | ۸،۴   |
|       | فارس              | ۵۹۸     | ۱۰،۰  |
|       | سیستان و بلوچستان | ۴۹۱     | ۸،۲   |
|       | خراسان رضوی       | ۶۰۱     | ۱۰،۰  |
|       | مازندران          | ۴۹۸     | ۸،۳   |
|       | اصفهان            | ۶۰۰     | ۱۰،۰  |
|       | قم                | ۵۰۰     | ۸،۳   |
|       | جمع               | ۵۹۸۶    | ۱۰۰،۰ |

۱-۲- متغیر وابسته (تبعیت)

جدول ۸. تبعیت از روحانیت

| ابعاد تبعیت   | میانگین | انحراف معیار | درصد  | کم      |       | متوسط   |       | زیاد    |       |
|---------------|---------|--------------|-------|---------|-------|---------|-------|---------|-------|
|               |         |              |       | فراوانی | ٪     | فراوانی | ٪     | فراوانی | ٪     |
| تبعیت سیاسی   | ۲،۵۱    | ۰/۹۳         | ۴۵،۴  | ۲۴۶۴    | ۴۲،۷۶ | ۲۸۶۴    | ۴۹،۷۰ | ۴۳۴     | ۷،۵۳  |
| تبعیت اجتماعی | ۳،۱۸    | ۰/۹۳         | ۵۴،۵  | ۱۸۶۶    | ۳۲،۱۷ | ۳۰۱۵    | ۵۱،۹۸ | ۹۱۹     | ۱۵،۸۴ |
| تبعیت فرهنگی  | ۲،۸۵    | ۰/۹۵         | ۴۶،۲۵ | ۲۵۲۶    | ۴۳،۵۸ | ۲۷۲۲    | ۴۶،۹۶ | ۵۴۸     | ۹،۴۵  |
| تبعیت دینی    | ۲،۸۴    | ۰/۹۹         | ۴۶    | ۲۶۱۸    | ۴۵،۲۳ | ۲۵۴۳    | ۴۳،۹۴ | ۶۲۶     | ۱۰،۸۱ |

جدول ۹. میانگین تبعیت از گروه‌های روحانیان

| ابعاد تبعیت   | مراجع | مسجدی | دانشگاهی | حوزوی | شاغل |
|---------------|-------|-------|----------|-------|------|
| تبعیت سیاسی   | ۳،۴۰  | ۲،۷۸  | ۲،۷۵     | ۲،۶۹  | ۲،۴۶ |
| تبعیت اجتماعی | ۳،۷۳  | ۳،۲۴  | ۳،۰۷     | ۳،۰۶  | ۲،۸۰ |
| تبعیت فرهنگی  | ۳،۴۲  | ۲،۸۵  | ۲،۷۶     | ۲،۷۴  | ۲،۴۸ |
| تبعیت دینی    | ۳،۴۳  | ۲،۸۵  | ۲،۷۳     | ۲،۷۳  | ۲،۴۷ |
| میانگین کل    | ۳،۴۹  | ۲،۹۳  | ۲،۸۲     | ۲،۸۰  | ۲،۵۵ |

۱-۳- متغیرهای مستقل

۱-۳-۱. پای‌بندی به ابعاد دین: پای‌بندی به سه بُعد عبادی، شریعتی و اخلاقی تقسیم می‌شود. در این میان، بُعد اخلاقی با میانگین ۴ در رتبه اول؛ بُعد عبادی با میانگین ۳،۸۷ در رتبه دوم و بُعد شریعتی با میانگین ۳،۷۷ در رتبه سوم قرار دارد. میانگین شاخص این دین‌داری هم معادل ۳،۸۲ است. برای تعیین دین‌داری ناپای‌بند، پای‌بندی پاسخ‌گویان به دین،

به دو دسته بالا و پایین تقسیم گردید و پایبندی بالا، معادل دینداری پایبند و پایبندی پایین، معادل دینداری ناپایبند در نظر گرفته شد. در مجموع دینداری ناپایبند معادل ۱۵،۱۱ درصد و دینداری پایبند ۸۴،۸۸ درصد است.

جدول ۱۰. فراوانی و درصد پایبندی به دین

| میانگین | گویه‌ها                       | ابعاد  |
|---------|-------------------------------|--------|
| ۳.۹۲    | نماز خواندن                   | عبادی  |
| ۳.۸۳    | روزه گرفتن                    |        |
| ۲.۹۷    | پرداخت خمس                    | شریعتی |
| ۳.۹۶    | پرهیز از غیبت                 |        |
| ۴.۳۸    | پرهیز از خوردن و آشامیدن حرام |        |
| ۴.۱۹    | رعایت حقوق مردم               | اخلاقی |
| ۳.۸۱    | پرهیز از دروغ                 |        |

۲-۳-۱. اعتقاد به روحانیت: پیش از این اشاره شد که با مبنا قرار دادن اعتقاد دینداران به وظایف و نقش‌های روحانیان و برخی ابعاد دین که روحانیان در آن‌ها نقش دارند، می‌توان دینداری بی‌واسطه را تعیین نمود؛ به این شکل که میزان اعتقاد به روحانیت، به دو بخش بالا و پایین تقسیم می‌گردد و اعتقاد بالا به روحانیت، «دینداری باواسطه» و اعتقاد پایین به آنان «دینداری بی‌واسطه» در نظر گرفته می‌شود. آن‌گونه که جدول ذیل نشان می‌دهد، میزان اعتقاد زیاد به نقش‌ها و وظایف روحانیان (دینداری باواسطه) ۶۴،۷ درصد و عدم اعتقاد به آنان (دینداری بی‌واسطه) ۳۵،۳ درصد است. در ضمن، میانگین نمره اعتقاد به روحانیان ۳،۳۷ است.

جدول ۱۱. گویه‌های اعتقاد به روحانیت

| میانگین | خیلی موافق |       | موافق |       | تا حدودی موافق |       | مخالف |      | خیلی مخالف |     | گویه‌ها  |
|---------|------------|-------|-------|-------|----------------|-------|-------|------|------------|-----|--|
|         | ف          | ٪     | ف     | ٪     | ف              | ٪     | ف     | ٪    | ف          | ٪   |  |
| ۳،۵۶    | ۱۹،۵       | ۱۱،۶۷ | ۲۲،۶  | ۲۴،۲۲ | ۲۲،۶           | ۱۳،۵۲ | ۱۰،۷  | ۶۴۱  | ۶،۶        | ۳۹۴ | ۱. مراجعه به روحانی برای تعیین صحت اعمال دینی      |
| ۳،۱۲    | ۸،۲        | ۴۹۲   | ۲۱،۶  | ۱۲۸۸  | ۲۸،۶           | ۱۷،۰۹ | ۳۲،۷  | ۱۹۵۱ | ۸،۸        | ۲۵۷ | ۲. مراجعه مستقیم به قرآن به جای مراجعه به روحانی   |
| ۳،۴۴    | ۱۵،۴       | ۹۱۶   | ۳۷    | ۲۲۰۶  | ۲۸،۵           | ۱۷،۰۲ | ۱۴،۷  | ۸۷۷  | ۴،۴        | ۲۶۵ | ۳. مراجعه به روحانی با وجود بالا رفتن سواد و آگاهی |



۳-۱-۳. نیاز به روحانیت: میزان نیازمندی پاسخ‌گویان در امور مناسکی، اعتقادی و عبادی به روحانیان، با چهار گویه دو وجهی سنجیده شد. همانند دو نوع دین‌داری پیش‌گفته، میزان احساس نیاز به روحانیت، به دو بخش بالا و پایین تقسیم گردید و به احساس نیاز بالا «دین‌داری نیازمند» و به احساس نیاز پایین «دین‌داری بی‌نیاز» اطلاق شد. آن‌چنان‌که مشهود است، در تمام جنبه‌ها، پاسخ‌گویان تمایل کم‌تری از خود برای مراجعه به روحانیان، برای برطرف کردن نیازهای دینی خود، نشان داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که شاخص نیاز به روحانیت برابر با ۴۵،۶۷ درصد است. در مقابل، تمایل برای مراجعه به بدیل‌های روحانیت، معادل با ۵۳،۷۵ درصد است.

جدول ۱۲. نیاز به روحانیت

| انحراف معیار | میانگین | ٪    | ف    | گویه‌ها   | معرف‌ها        |
|--------------|---------|------|------|---|----------------|
| ۱،۹۹         | ۲،۸۱    | ۵۲،۹ | ۳۱۶۵ | فُرادا  | چگونگی         |
|              |         | ۴۵،۳ | ۲۶۲۷ | جماعت در مسجد   | نماز خواندن    |
| ۱،۹۸         | ۳،۲۵    | ۵۶،۳ | ۳۲۵۰ | ۱. شرکت در مساجد و هیأت‌ها                                    | ترجیحات مناسکی |
|              |         | ۴۳،۷ | ۲۵۲۶ | ۲. استفاده از برنامه‌های تلویزیون                             |                |
| ۱،۹۶         | ۲،۶۶    | ۴۰،۱ | ۲۲۷۵ | شرکت در مراسمات برای:   | مناسکی         |
|              |         | ۵۹،۹ | ۳۴۰۳ | ۱. استفاده از سخنرانی روحانی<br>۲. استفاده از مداحی و عزاداری |                |
| ۱،۹۷         | ۲،۶۶    | ۵۸،۵ | ۳۳۴۳ | از طریق رسانه   | چگونگی         |
|              |         | ۴۱   | ۲۳۷۵ | از طریق روحانی  | رفع نیاز دینی  |

## ۲. یافته‌های تبیینی

### ۲-۱. پای‌بندی به دین و تبعیت از روحانیت

برای مقایسه وضعیت تبعیت از روحانیت در میان افراد با میزان پای‌بندی متفاوت، از جدول دوبعدی و آزمون «وی‌کرامر» استفاده شد. پس از تقاطع میزان فراوانی و درصد تبعیت از روحانیان در میان این دو نوع دین‌داری، مشخص شد که هر چه بر میزان پای‌بندی افراد به دین افزوده می‌شود، میزان تبعیت از روحانیان هم افزایش می‌یابد. آزمون وی‌کرامر نیز نشان می‌دهد که میان این دو متغیر، یعنی پای‌بندی به دین و تبعیت از روحانی، رابطه معنادار وجود دارد ( $V=0.27$  و  $S=0.000$ )؛ یعنی هر چه بر میزان پای‌بندی به دین در میان نمونه افزوده می‌شود، میزان تبعیت از روحانیت هم افزایش می‌یابد و بالعکس، با کاهش پای‌بندی به دین، میزان تبعیت از روحانیت نیز کاهش می‌یابد. به این ترتیب، می‌توان ادعا کرد فرضیه اول تحقیق تأیید شده است؛ یعنی میان پای‌بندی به دین و تبعیت دینداران از روحانیان رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری ناپای‌بند، موجب کاهش تبعیت از روحانیت می‌گردد.

جدول ۱۳. تقاطع پای‌بندی به دین با تبعیت از روحانیت

| پای‌بندی به دین    | تبعیت |       |       |
|--------------------|-------|-------|-------|
|                    | کم    | متوسط | زیاد  |
| دین‌داری ناپای‌بند | ۵۷.۹  | ۳۵.۸  | ۶.۴   |
| دین‌داری پای‌بند   | ۲۵.۱  | ۴۴.۴  | ۳۰.۵  |
| جمع                | ۱۰۰.۰ | ۱۰۰.۰ | ۱۰۰.۰ |

### ۲-۲. نیاز به روحانیان و تبعیت از آنان

تقاطع دین‌داری بی‌نیاز و نیازمند به روحانی با تبعیت از روحانیان نشان می‌دهد که با افزایش احساس نیاز به آنان، تبعیت از این دسته هم افزایش داشته و با کاهش احساس نیاز، تبعیت کاهش می‌یابد. نگاه به نتایج آزمون وی‌کرامر هم نشان می‌دهد بین این دو متغیر،

رابطه معنادار وجود دارد ( $V=.29$  و  $S=.000$ ). این به معنای تأیید فرضیه دوم تحقیق است؛ یعنی میان نیاز به روحانیان و تبعیت دینداران از آنان رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری بی‌نیاز به روحانی، موجب کاهش تبعیت از روحانیت می‌گردد.

جدول ۱۴. تقاطع نیاز به روحانیت و تبعیت از آن

| تبعیت |      |       |      | نیاز به روحانیت  |
|-------|------|-------|------|------------------|
| جمع   | زیاد | متوسط | کم   |                  |
| ۱۰۰۰۰ | ۱۶،۵ | ۴۴،۰  | ۳۹،۵ | دین‌داری بی‌نیاز |
| ۱۰۰۰۰ | ۳۷،۵ | ۴۵،۷  | ۱۶،۸ | دین‌داری نیازمند |

### ۲-۳- اعتقاد به روحانیت و تبعیت از آن

تقاطع اعتقاد به روحانیان، با تبعیت از آنان، نشان می‌دهد که با افزایش میزان اعتقاد به نقش‌ها و وظایف روحانیان، میزان تبعیت از آنان نیز افزایش می‌یابد و با کاهش اعتقاد به آنان، تبعیت از روحانیت هم کاهش دارد. با نگاه به نتایج آزمون وی‌کرامر هم رابطه معنادار میان این دو متغیر را می‌توان نتیجه گرفت ( $V=.38$  و  $S=.000$ ). این به معنای تأیید فرضیه سوم است؛ یعنی میان اعتقاد به نقش‌ها و وظایف روحانیان و تبعیت دینداران از روحانیت، رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری بی‌واسطه (بی‌اعتقاد به روحانیت)، موجب کاهش تبعیت از روحانیت می‌گردد.

جدول ۱۵. تقاطع اعتقاد به روحانیت و تبعیت از آن

| تبعیت |      |       |      | اعتقاد به روحانیت                              |
|-------|------|-------|------|--|
| جمع   | زیاد | متوسط | کم   |  |
| ۱۰۰۰۰ | ۱۰،۸ | ۳۶،۴  | ۵۲،۷ | دین‌داری بی‌واسطه<br>(اعتقاد پایین به روحانیت) |
| ۱۰۰۰۰ | ۳۵،۵ | ۴۶،۸  | ۱۷،۶ | دین‌داری با واسطه<br>(اعتقاد بالا به روحانیت)  |

## نتیجه

علی‌رغم نفوذ اجتماعی تاریخی روحانیان و تبعیت جامعه از آنان، در دهه‌های اخیر شواهد و مدارکی دال بر کاهش گستره و شدت تبعیت از این قشر پدیدار شده است. حال، علت (علل) کاهش تبعیت جامعه از روحانیان چیست؟ در پاسخ نظری به سؤال فوق و در سطح کلان، سه دسته علت وجود دارند که موجب کاهش تبعیت جامعه از روحانیت می‌شوند:

۱. عللی که به تحولات ساختاری مربوطند؛

۲. عللی که به خود روحانیت ربط دارند؛

۳. عللی که به مخاطبان روحانیان یعنی مردم مربوط هستند.

از میان علل کلان فوق، در این تحقیق بر علل مرتبط با مخاطبان روحانیان (مردم) و از میان این علل بر نوع دین‌داری تأکید می‌شود؛ یعنی از نظر تحقیق، میان نوع دین‌داری جامعه و تبعیت از روحانیت رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که در برخی انواع دین‌داری‌ها، میزان تبعیت از روحانیت نسبت به انواع دیگر کم‌تر است. بر اساس ملاک نوع نقش‌ها و وظایف روحانیان و ارتباط دینداران با آنان، سه دسته دین‌داری تعیین شد که بنا بر فرض، بر میزان ارتباط دینداران و روحانیان و مآلاً میزان تبعیت از آنان مؤثرند. این سه نوع دین‌داری، تحت تأثیر تحولات اجتماعی - تکنولوژیک شکل گرفته یا گسترش یافته‌اند. اولین شکل از این انواع، دین‌داری بی‌واسطه (بی‌اعتقاد به روحانیت) است. این شکل دین‌داری، تحت تأثیر مدرنیته و عقل‌گرایی نهفته در آن، گسترش یافته است. فرهنگ مدرن با ویژگی‌های عقل‌گرا و فردگرای‌اش، از طریق تحصیلات مدرن یا رسانه‌ها و ارتباطات جهانی، موجب بی‌اعتقادی به اصل ضرورت وجود موقعیت و نقشی به نام روحانی می‌گردد که می‌باید واسطه شناخت دین باشد. البته این شکل دین‌داری، موجب بی‌اعتقادی به برخی ابعاد دین هم خواهد شد. بی‌اعتقادی به ابعاد از دین، بی‌اعتقادی به وظایف روحانیان را در این ابعاد به همراه خواهد داشت که نتیجه آن، قطع ارتباط دینداران با روحانیان و کاهش تبعیت از آنان است. فرهنگ مدرن با ویژگی‌های نسبی‌گرا و سهل‌گیرانه‌اش، گسترش یک شکل دیگر از

دین‌داری را نتیجه می‌دهد: دین‌داری ناپای‌بند. فرد در این شکل دین‌داری، به موقعیت و نقش‌های روحانی بی‌اعتقاد نیست، بلکه به دلیل عامل نبودن به احکام، شرایع، اخلاق و عبادات، اصولاً نیازی به روحانی احساس نمی‌کند؛ زیرا نه نیازی برای شناخت احکام خود در ابعاد یادشده دارد و نه برای انجام دادن مناسک و عبادات به روحانی مراجعه خواهد کرد. شکل سوم دینداری که بسیار تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک و ارتباطی است، دین‌داری بی‌نیاز به روحانیت است. دین‌دار در این شکل برای رفع نیازهای دینی خود، به بدیل‌های روحانی مانند رسانه‌ها، لوازم صوتی، تصویری و دیجیتال و مانند آن یا اشخاص دیگر (مانند مداحان) مراجعه می‌کند؛ لذا نیاز دینی دین‌دار به روحانیت به حداقل کاهش می‌یابد. نتایج تحقیق، مؤید مباحث نظری و فرضیه‌های تحقیق (ارتباط میان نوع دین‌داری و تبعیت از روحانیت) است؛ یعنی آزمون‌های آماری، نشان داد: میان هر سه نوع دین‌داری‌های مورد نظر و تبعیت از روحانیان هم‌بستگی مثبت وجود دارد. وجود هم‌بستگی مثبت میان انواع دین‌داری و تبعیت از روحانیت، به این معناست که هر چه افراد بی‌اعتقادتر به روحانیت، بی‌نیازتر از آنان و ناپای‌بندتر به ابعاد دین باشند، تبعیت‌شان از روحانیت هم کاهش خواهد داشت؛ یعنی با گسترش فرهنگ مدرن و تحولات اجتماعی و تکنولوژیک - ارتباطی، باید منتظر کاهش ارتباط دینداران و روحانیان و به تبع آن کاهش تبعیت از آنان بود.

## فهرست منابع

۱. بهشتی، سیدمحمدحسین، «روحانی کیست»، مجموعه متون و اسناد روحانیت: هویت جامعه روحانیت، بررسی‌های عمومی، ج ۲۹، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۸۳.
۲. \_\_\_\_\_، «روحانیت در اسلام»، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، جمعی از دانشمندان، شرکت سهامی انتشار (۱۸).
۳. حمید امین، اسماعیل خلیلی، آسیب‌شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹.
۴. خاکبان، سلیمان، «کارکرد روحانیت»، فرهنگ، جامعه، انقلاب (مجموعه مقالات)، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۴.
۵. ذوعلم، علی، «روحانیت و تحجر»، فرهنگ، جامعه، انقلاب (مجموعه مقالات)، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۴.
۶. رجبزاده، احمد، دانشگاه، دین و سیاست: سنجش گرایش‌های فکری و فرهنگی دانشجویان، تهران: گزارش تحقیقی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹.
۷. سروش، عبدالکریم، «اصناف دین‌ورزی»، کیان، دی و بهمن، ش ۵۰، ۱۳۷۸.
۸. \_\_\_\_\_، «دین اقلی و اکثری»، کیان، ش ۴۱.
۹. شجاعی‌زند، علیرضا، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱، ۱۳۸۴.
۱۰. کدیور، محسن، داد و ستد اسلام و مدرنیته، [www.kadivar.com](http://www.kadivar.com)، ۱۳۸۵.
۱۱. قنبری آیت، «منابع قدرت روحانیت شیعه در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۰، ۱۳۸۱.
۱۲. \_\_\_\_\_، روحانیت و قدرت، [www.kadivar.com/index.asp](http://www.kadivar.com/index.asp).
۱۳. گلزاده غفوری، علی، روحانیت و زندگی، به ضمیمه هم‌پستگی داخلی و مراقبت در روابط خارجی، قم: نشر محمد، ۱۳۶۰.
۱۴. مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی: تهران، صدرا، ۱۳۸۴.
۱۵. ملکیان، مصطفی، سخنی در چندو چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم، کیان، مرداد و شهریور، ش ۴۸، ۱۳۷۸.

۱۶. میرسندهی، سیدمحمد، مطالعه انواع و میزان دینداری دانشجویان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

۱۷. نیک‌پی، امیر، سبک‌های زندگی دینی در میان جوانان، همشهری، سه شنبه اول آذر، ۱۳۸۴.

۱۸. یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور؛ ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ویرایش اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

18. Himmelfarb. Harold. S, "Measuring Religious Involvement", Social Force, vol. 53, No. 4: 606-618, 1975.

19. Khosrokhavar. Farhad, **the New Religiosity in Iran, Social Compass**, October, 54(3), pp. 453-463, 2007.

20. Shepard. E. William, "Islam and Ideology: Toward a Typology", International Journal of Middle East Studies. Vol. 19, 1987.

21. Shepard. E. William, **the Diversity Thought: Towards a Typology in Islamic Thought in the Twentieth Century**, Edited by Suha Taji-Faruki and Basheer M. Nak, I. B. Towris, 2004.